

حکم نماز جمعه از دیدگاه فیض کاشانی^۱

عبدالکریم عبداللہی*

چکیده:

مقاله حاضر در مقام بیان دیدگاه فیض کاشانی درباره حکم نماز، مشتمل بر مطالب زیر است: برگزاری نخستین نماز جمعه در اسلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، حکمت خطبه نماز جمعه که باید در جهت تحکیم مبانی عقیدتی و بیان مسائل لازم مربوط به جامعه اسلامی باشد و نیز بیان اقوال فقهای امامیه درباره حکم نماز جمعه، قول فیض کاشانی بر وجوب تعیینی و دلائل وی بر این قول، از آیات، روایات از پیامبر صلی الله علیه وآله و امامان معصوم علیهم السلام، احکام مستفاد از روایات.

کلیدواژه: نماز جمعه، وجوب تعیینی، فیض کاشانی.

۱- تاریخ وصول: ۹۰/۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۱۴

* دانشیار گروه الهیات دانشگاه فردوسی مشهد abdolahi-k@ferdowsi.um.ac.ir

۱- نخستین نماز جمعه در اسلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در سال چهاردهم بعثت، از مکه به مدینه هجرت کرد و در روز دوشنبه دوازدهم ربیع الأول به دهکده «قُبا» در دو فرسخی مدینه رسید و بر خانه «کلثوم بن هِذَم» از قبیله «بنی عمرو بن عَوْف» وارد شد و تا پایان آن هفته یعنی تا نیمه همان ماه در آنجا توقف کرد و «مسجد قُبا» را بنا نهاد، پس از پیوستن علی بن ابی طالب علیه السلام به آن حضرت، در روز جمعه عازم شهر مدینه شد و نماز جمعه را در میان قبیله «بنی سالم بن عَوْف» اقامه کرد و این نخستین نماز جمعه‌ای بود که در مدینه برگزار شد (ابن هشام، السیرة النبویة، ۲، ۱۳۹؛ ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ۲، ۱۰۷). برابر نوشته طبری و مسعودی، این نماز نخستین نماز جمعه در اسلام بود (طبری، تاریخ الأمم والملوک، ۲، ۱۱۴؛ مروج الذهب، ۲، ۲۸۶).

۲- حکمت خطبه نماز جمعه

فضل بن شاذان، از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «إِنَّمَا جُعِلَتْ الْخُطْبَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِأَنَّ الْجُمُعَةَ مَشْهُدٌ عَامٌ، فَأَرَادَ أَنْ يَكُونَ لِلْإِمَامِ [لِلْأَمِيرِ] سَبَبٌ لِمَوْعِظَتِهِمْ وَتَرْغِيبِهِمْ فِي الطَّاعَةِ، وَتَرْهِيْبِهِمْ عَنِ الْمَعْصِيَةِ، وَتَوْقِيفِهِمْ عَلَى مَا أَرَادَ مِنْ مَصْلَحَةِ دِينِهِمْ وَدُنْيَاهُمْ، وَيُخْبِرُهُمْ بِمَا وَدَّ عَلَيْهِ مِنَ الْأَفَاقِ وَمِنْ الْأَحْوَالِ [الْأَهْوَالِ] الَّتِي لَهُمْ فِيهَا الْمَضْرَّةُ وَالْمَنْفَعَةُ ... وَإِنَّمَا جُعِلَتْ خُطْبَتَيْنِ لِيَكُونَ وَاحِدَةً لِلثَّنَاءِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّقْدِيسِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالأُخْرَى لِلْحَوَائِجِ وَالأَعْذَارِ وَالأِنْدَارِ وَالدُّعَاءِ، وَمَا يُرِيدُ أَنْ يُعْلِمَهُمْ مِنْ أَمْرِهِ وَتَنْهِيهِ بِمَا فِيهِ الصَّلَاحُ وَالفَسَادُ» (خطبه در روز جمعه برای این تشریح شده است که نماز جمعه محل حضور و انجمن عمومی است از این رو خداوند اراده کرده تا برای پیشوای مسلمانان فرصتی باشد که آنان را پند و اندرز دهد و به طاعت خدا ترغیب کند و از معصیت بترساند و آنان را به مصلحت دین و دنیایشان آگاه سازد و آنچه از اخبار و حوادث مهم جهان رسیده که سود و زیان مردم در آن است به اطلاع آنان برساند) (صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲، ۲۳۲).

دو خطبه قرار داده شده تا یکی برای حمد و ثنا و تقدیس خدای عزّ وجلّ، دیگری برای بیان نیازمندی‌ها، عذر‌ها (توضیح علت کارهای انجام شده و نشده)، هشدارها، و دعا به درگاه خداوند باشد و (نیز) برای این که مردم را به امر و نهی و آنچه صلاح و فساد در آن است، آگاه سازد.

۳- اقوال فقهای امامیه درباره حکم نماز جمعه

وجوب نماز جمعه یکی از احکام قطعی و از ضروریات شریعت اسلام است و اختلاف فقیهان فقط در این است که آیا وجوب تعیینی آن که در عصر حضور، توسط امام علیه السلام یا منصوب از جانب او اقامه می‌شد در عصر غیبت نیز به حال خود باقی است و یا این که مشروعیت آن، منوط به حضور امام علیه السلام یا منصوب از سوی اوست؟ از این رو اقوال مختلفی است که برخی از فقهای معاصر هفت قول را یادآور می‌شود، (حائری، صلاه الجمعه، ۱۲۱ - ۲) که مهمترین آن، سه قول (غروی، التنقیح، ۱، ۱۳) به شرح زیر است:

۳-۱- حرمت نماز جمعه و عدم مشروعیت آن بر اساس ادعای توقّف مشروعیت نماز جمعه به حضور امام علیه السلام یا منصوب از جانب او زیرا اقامه نماز جمعه از مناصب خاص آن حضرت است و این قول، منسوب به برخی از فقیهان مانند ابن ادریس (ابن ادریس، السرائر، ۱، ۳۰۳ و ۳۰۴)، سلّار و سید مرتضی است (همان و غروی، التنقیح، ۱، ۴۱).

۳-۲- وجوب تخییری یعنی مکلف، مخیر است که نماز جمعه را بخواند یا نماز ظهر را و هر کدام را که بخواند، دیگری ساقط می‌شود و این قول مشهور در میان فقهای متأخر است (غروی، التنقیح، ۱، ۱۳).

۳-۳- وجوب تعیینی که به طور مشخص وجوب به آن تعلق گرفته و این قول بسیاری از فقیهان و محدّثان است، از جمله:

ثقه الإسلام کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، ابوالصلاح حلبی، شهید ثانی که ظاهراً نخستین فقیهی است که سه سال پیش از شهادت، رساله‌ای در وجوب تعیینی نماز جمعه نوشته است، صاحب مدارک، فیض کاشانی که رساله‌ای تحت عنوان «الشهاب الثاقب» نگاشته است، شیخ حرّ عاملی، علامه مجلسی، محدّث بحرانی و آیه الحائری (صلاه الجمعه) (کلینی، الفروع من الکافی، ۳، ۴۱۸؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱، ۴۰۹؛ شیخ مفید، المقنعه، ۱۶۳-۴؛ ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، ۳، ۲۷۹؛ عاملی، مدارک الاحکام، ۴، ۸؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ۵، ۲ و ۱۳؛



مجلسی، مرآة العقول، ۱۵، ۳۴۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ۸۹، ۲۲۱؛ محدث بحرانی، الحدائق الناظره، ۹، ۳۹۸ و ۳۷۸، ۴۱۵).

۴- قول فیض کاشانی

طبق گفتار فیض کاشانی، وجوب عینی نماز جمعه «أظهر من الشمس» و مورد اتفاق علمای اسلام در تمامی زمان‌هاست و در دوران زندگانی پیامبر صلی الله علیه وآله برگزار می‌شود. استمرار داشته و پس از آن حضرت نسخی هم نمی‌باشد و عالمان اسلامی وجوب آن را مشروط به شرطی نکرده‌اند به جز یک نفر یا دو نفر مانند محمد بن ادریس و سلار بن عبدالعزیز که وجوب نماز جمعه را مشروط به شرط حضور امام علیه السلام نموده‌اند که موجب سقوط آن در عصر غیبت می‌شود، هر چند کلام سلار، قابل تأویل به حق است، «و ابن ادریس هذا هو الذي قال فيه العلامة والمحقق ما قالوا» (کاشانی، الشهاب الثاقب، ۸ و ۹). همچنین می‌گوید: در اصل وجوب نماز جمعه اختلافی نیست بلکه تمامی فقیهان اعتراف دارند و ادعای اجماع می‌کنند و بلکه آن را از ضروریات دین می‌شمارند و فقها فقط در شرایط آن اختلاف دارند (همان، ۱۱).

۵- دلایل فیض کاشانی بر وجوب تعیینی نماز جمعه

دلایلی را که فیض کاشانی برای اثبات وجوب تعیینی نماز جمعه اقامه می‌کند عبارت است از: کلام خدا، کلام رسول خدا صلی الله علیه وآله و کلام امامان معصومین علیهم السلام، زیرا اساساً ادله شرعی به نظر ایشان منحصر به همین سه دلیل است که می‌گوید: «والأدلة الشرعية منحصره عندنا في هذه الثلاثة» (همان، ۱۳). اما بیان ادله سه گانه مزبور همراه با توضیحات این جانب، بدین قرار است:

۵-۱- آیاتی از قرآن

آیه اول: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاصْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (جمعه، ۹).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه برای نماز روز جمعه اذان گفته شود به سوی ذکر خدا بشتابید (اهتمام بورزید) و خرید و فروش را رها سازید، اگر بدانید این (اهتمام به حضور در نماز جمعه) برای شما بهتر است».

مفسران اتفاق نظر دارند که مراد از «ذکر خدا» که امر به سعی و اهتمام به آن شده نماز جمعه یا خطبه آن و یا مجموع نماز جمعه و خطبه آن می‌باشد. بنابر این هر کس که مؤمن باشد موظف به اهتمام و شنیدن خطبه نماز جمعه و انجام آن و ترک هر چیزی است که مانع حضور در نماز جمعه باشد. در آیه شریفه افزون بر امر «فَأَسْعَوْا» که دلالت بر وجوب سعی، تلاش و اهتمام به حضور در نماز جمعه دارد مشتمل بر انواعی از تأکید و تشویق است:

۱ - تعلق فعل «نُودِيَ» به کلمه «إِذَا» که شرطیه زمانیه می‌باشد و نیز فعل «نُودِيَ» که به صورت مجهول است دلالت بر تحقق وقوع نماز جمعه دارد.

۲ - لزوم ترک اضرار مانند داد و ستد در هنگام نماز جمعه «وَدَّرُوا الْبَيْعَ».

۳ - اطلاق آیه که مقید به زمان خاص مانند عصر حضور معصوم علیهم السلام، نیست.

آیه دوم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (منافقین، ۹).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال و اولادتان، شما را از یاد خدا باز ندارد و کسانی که چنین کنند، زیانکارند.»

این آیه نیز با توجه به تفسیر «ذکر خدا» به نماز جمعه، دلالت بر وجوب نماز جمعه دارد.

آیه سوم: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى» (بقره، ۲۳۸).

«بر نمازهای (پنج گانه) به ویژه نماز میانه مواظبت نمایید».

به موجب برخی از روایات (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ۳، ۱۴ و ۱۵) و کلام محققان، مراد از

نماز میانه که خصوصاً به آن امر شده، نماز جمعه در روز جمعه و نماز ظهر در سایر روزهاست.

۵-۲- روایاتی از پیامبر صلی الله علیه وآله

عامّه و خاصه در کتاب‌های فقهی و غیر فقهی احادیثی را از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله



روایت کرده‌اند که برخی صریح و برخی ظهور در وجوب تعیینی نماز جمعه دارد و مشروط به شرطی نیست، مانند:

۱ - «كُتِبَتْ عَلَيْكُمْ الْجُمُعَةُ فَرِيضَةً وَاجِبَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (علّامه، تذکره الفقهاء، ۴، ۱۲؛ کاشانی، الوافی، ۸، ۱۱۲۵؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ۵، ۶).

نماز جمعه به عنوان فریضه واجبه تا روز قیامت، بر شما مقرر شده است.

روایت مزبور، صریح در وجوب تعیینی مستمر تا روز قیامت است و مشروط به حضور امام علیه السلام و اذن آن حضرت نیست.

۲ - «الْجُمُعَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ إِلَّا عَلَى أَرْبَعَةٍ: عَبْدٍ مَمْلُوكٍ، أَوْ امْرَأَةٍ، أَوْ صَبِيٍّ، أَوْ مَرِيضٍ» (کاشانی، الوافی، ۸، ۱۱۲۵؛ عاملی، وسائل الشیعه، ۵، ۶؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ۸، ۳۲۱).

نماز جمعه بر هر مسلمانی واجب است بجز بر عبد، زن، نابالغ و بیمار.

۳ - پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در خطبه طولانی که مردم را ترغیب و تشویق به نماز جمعه نمود، فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَيْكُمْ الْجُمُعَةَ، فَمَنْ تَرَكَهَا فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَمَاتِي وَلَهُ إِمَامٌ عَادِلٌ، اسْتِخْفَافًا بِهَا أَوْ جُحُودًا لَهَا، فَلَا جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ، وَلَا بَارَكَ لَهُ فِي أَمْرِهِ، أَلَا وَلَا صَلَاةَ لَهُ، أَلَا وَلَا زَكَاةَ لَهُ، أَلَا وَلَا حَجَّ لَهُ، أَلَا وَلَا صَوْمَ لَهُ، أَلَا وَلَا بِرَّ لَهُ، حَتَّى يَتُوبَ». «خداوند متعال نماز جمعه را بر شما واجب کرد، پس کسی که در زمان حیات یا پس از وفاتم از روی سبک شمردن یا انکار، آن را ترک نماید، خداوند وضع نابسامان او را سامان نمی‌بخشد، در کارش برکت نمی‌دهد، آگاه باشید برای او نماز، زکات، حج، روزه و نیکی نیست تا وقتی که توبه کند» (کاشانی، الوافی، ۸، ۱۱۲۵؛ عاملی، وسائل الشیعه، ۵، ۷).

ظاهر از لفظ «امام» امام جماعت است نه امام معصوم علیه السلام، به علاوه در برخی از روایات، لفظ «امام» نیست.

۴ - «مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعٍ مُتَعَمِّدًا مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ بِخَاتَمِ النِّفَاقِ.» «و کسی که از روی عمد و بدون عذر، سه بار (پی در پی) نماز جمعه را ترک کند، خداوند بر قلب او مهر نفاق می‌زند» (کاشانی، ۸، ۱۱۲۵؛ طبری، المعجم الکبیر، ۱، ۱۷۰).

۵ - «مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعٍ تَهَاوُنًا بِهَا طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ» «کسی که (بدون عذر) سه بار (پی در پی) نماز جمعه را از روی سبک شمردن ترک کند خداوند بر دل او مهر (تیرگی و غفلت) می‌زند» (کاشانی، الوافی، ۸، ۱۱۲۵؛ سُنن ابی داود، شماره ۱۰۵۲، سُنن تَرْمِذِي، شماره ۵۰۰؛ سُنن ابن ماجه، شماره ۱۱۲۵ - ۶؛ طبری، المعجم الکبیر، ۲۲، ۳۶۵ - ۶ شماره ۹۱۵ و ۹۱۶).

۶ - «لَيَنْتَهِيَنَّ أَقْوَامٌ عَنْ وُدِّعِهِمُ الْجُمُعَاتِ، أَوْ لَيَخْتِمَنَّ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ، ثُمَّ لَيَكُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ» «گروه‌های (مختلف مردم باید از ترک نمازهای جمعه خودداری نمایند یا خداوند بر دل‌هایشان مهر (تیرگی و غفلت) می‌زند، آنگاه از غافلان خواهند بود» (کاشانی، الوافی، ۸، ۱۱۲۵؛ عاملی، وسائل الشیعه، ۵، ۶؛ صحیح مسلم، شماره ۸۶۵؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ۱۹، ۹۹، شماره ۱۹۷).

فیض کاشانی در پایان می‌نویسد: چنانچه وجوب نماز جمعه تخییری بود در صورت ترک آن، تهدید به نفاق و مهر تیرگی و غفلت در دل نمی‌بود که علامت کفر است، زیرا ترک یکی از دو فرد تخییر، موجب این عقوبت نیست (کاشانی، الشهاب الثاقب، ۱۸).

۵-۳- روایاتی از امامان معصوم علیهم السلام

صاحبان کُتب اربعه روایی شیعه یعنی ثقة‌الإسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب کُلینی، رئیس المحدثین ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قُمی و شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام اخبار معتبر فراوانی را روایت کرده‌اند که دلالت بر وجوب قطعی نماز جمعه دارند بدون این که مشروط به حضور امام معصوم علیه السلام یا مأذون از جانب او و یا مشروط به فقیهی باشد، و دلالت برخی از این روایات، صریح و برخی ظاهر در وجوب تعیینی نماز جمعه است:

۱ - صحیح زُراره از امام باقر علیه السلام که فرمود: «إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَثَلَاثِينَ صَلَاةً، مِنْهَا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ فِي جَمَاعَةٍ وَهِيَ الْجُمُعَةُ وَوَضَعَهَا عَنْ تَسْعَةٍ: عَنِ الصَّغِيرِ، وَالْكَبِيرِ، وَالْمَجْنُونِ، وَالْمُسَافِرِ، وَالْعَبْدِ، وَالْمَرَأَةِ، وَالْمَرِيضِ، وَالْأَعْمَى، وَمَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرَسَخَيْنِ» «خداوند عزَّ ووجلَّ از جمعه تا جمعه دیگر، ۳۵ نماز را واجب کرد که از جمله آنها یک نمازی است که خداوند آن را به جماعت واجب کرده که آن نماز



جمعه است و (تکلیف وجوب) این نماز را از ۹ نفر برداشته است: غیر بالغ، پیرمرد، دیوانه، مسافر، عبد، زن، بیمار، نابینا و کسی که سر دو فرسخی (یا بیشتر) باشد» (صدوق، مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، شماره ۱۲۱۹؛ کاشانی، الوافی، ۸، ۱۲۱۹).

۲ - صحیحہ ابی بصیر و مسلم، از امام صادق علیه السلام که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ فِي كُلِّ سَبْعَةٍ أَيَّامٍ خَمْسًا وَثَلَاثِينَ صَلَاةً، مِنْهَا صَلَاةٌ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَشْهَدَهَا إِلَّا خَمْسَةً: الْمَرِيضَ، وَالْمَمْلُوكَ، وَالْمُسَافِرَ، وَالْمَرْأَةَ، وَالصَّبِيَّ» «خداوند عز و جل، در هر هفته، ۳۵ نماز را واجب کرد که از جمله آنها نمازی است که بر مسلمانی واجب است در آن حضور یابد به جز پنج گروه: بیمار، برده، مسافر، زن و نابالغ» (کلینی، الفروع من الکافی، ۳، ۴۱۸؛ کاشانی، الوافی، ۸، ۱۲۱۹).

۳ - صحیحہ زراره که می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: نماز جمعه بر چه کسی واجب است؟

فرمود: «تَحِبُّ عَلَى سَبْعَةٍ نَفَرٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَلَا جُمُعَةَ لِأَقَلِّ مِنْ خَمْسَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَحَدُهُمُ الْإِمَامُ، فَإِذَا اجْتَمَعَ سَبْعُهُ وَلَمْ يَخَافُوا أَمَّهُمْ بَعْضُهُمْ وَخَطَبَتْهُمْ» «بر هفت نفر از مسلمانان واجب است، نماز جمعه برای کمتر از پنج نفر از مسلمانان که یکی از آنان امام باشد، نیست پس هرگاه هفت نفر جمع شدند و (از ظالمان) نترسیدند برخی از آنان امام جمعه شود و خطبه بخواند» (صدوق، مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، شماره ۱۲۲۰؛ کاشانی، الوافی، ۸، ۱۱۲۳).

بنابراین نماز جمعه با کمتر از پنج نفر برگزار نمی شود.

فیض کاشانی پس از نقل این روایت، می گوید: این نص در عدم اشتراط اقامه جمعه به اذن معصوم علیه السلام است و مراد از امام، امام جماعت است (کاشانی، الشهاب الثاقب، ۲۱).

۴ - حسنه زراره که از امام باقر علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود: «لَا تَكُونُ الْخُطْبَةُ وَالْجُمُعَةُ وَصَلَاةُ رَكْعَتَيْنِ عَلَى أَقَلِّ مِنْ خَمْسَةٍ رَهْطٍ الْإِمَامِ وَأَرْبَعَةٍ» «خطبه جمعه و دو رکعت نماز آن با کمتر از پنج نفر برگزار نمی شود (یعنی یک نفر) امام و چهار نفر (مأموم)» (کلینی، الفروع من الکافی، ۳، ۴۱۹؛ شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ۳، ۲۴۰، شماره ۶۴۰؛ کاشانی، الوافی، ۸، ۱۱۲۳).

۵ - موثقه ابی العباس (تقیباق) از امام صادق علیه السلام روایت می کند که «أَذْنَى مَا يُجْزَى فِي الْجُمُعَةِ سَبْعَةٌ أَوْ خَمْسَةٌ أَذْنَاهُ» «کمترین عددی که برای اقامه نماز جمعه، کفایت می کند پنج نفر است» (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ۳، ۲۱، شماره ۷۶؛ کاشانی، الوافی، ۸، ۱۱۲۳).

۶ - صحیحہ منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام که فرمود: «يُجْمَعُ الْقَوْمُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِذَا كَانُوا خَمْسَةً فَمَا زَادُوا، فَإِنْ كَانُوا أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةٍ فَلَا جُمُعَةَ لَهُمْ، وَالْجُمُعَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ لَا يُعْذَرُ النَّاسُ فِيهَا إِلَّا خَمْسَةٌ: الْمَرَأَةُ، وَالْمَمْلُوكُ، وَالْمُسَافِرُ، وَالْمَرِيضُ وَالْمَرِيضُ وَالصَّبِيُّ» «در روز جمعه مردم گرد هم می آیند وقتی که پنج نفر یا بیشتر شدند (نماز جمعه را اقامه می کنند)، پس اگر کمتر از پنج نفر بودند برای آنان نماز جمعه نیست، نماز جمعه بر همه مردم واجب است، مردم در اقامه نماز جمعه معذور نیستند. به جز پنج گروه: زن، برده، مسافر، بیمار و نابالغ» (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ۳، ۲۳۹، شماره ۳۶؛ کاشانی، الوافی، ۸، ۱۱۲۲).

۷ - صحیحہ عمر بن یزید که از امام صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود: «إِذَا كَانُوا سَبْعَةً يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَلْيُصَلُّوا فِي جَمَاعَةٍ وَلْيَلْبَسِ الْبُرْدَ وَالْعِمَامَةَ وَيَتَوَكَّأَ عَلَى قَوْسٍ أَوْ عَصَاً وَلْيَقْعُدْ قَعْدَةً بَيْنَ الْخُطْبَتَيْنِ وَيَجْهَرُ بِالْقِرَاءَةِ وَ يَقْتَتِ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى مِنْهُمَا قَبْلَ الرَّكْعَةِ» «هرگاه در روز جمعه هفت نفر اجتماع کنند، باید (نماز جمعه را) به جماعت بخوانند و (امام جماعت) لباس بُرد و عمامه بپوشد، و بر کمان (سلاح) یا عصایی تکیه کند و میان دو خطبه اندکی بنشیند و قرائت نماز را بلند بخواند و در رکعت اول از آن دو رکعت پیش از رکوع، قنوت بجا آورد» (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ۳، ۲۴۵؛ کاشانی، الوافی، ۸، ۱۱۲۴).

۸ - صحیحہ فضل بن عبدالملک (تقیباق) که از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: «إِذَا كَانَ قَوْمٌ فِي قَرِيهِ صَلُّوا [الْجُمُعَةَ] أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، فَإِنْ كَانَ لَهُمْ مَنْ يَخْطُبُ بِهِمْ جَمَعُوا إِذَا كَانُوا خَمْسَةَ نَفَرٍ، وَإِنَّمَا جُعِلَتْ رَكَعَتَيْنِ لِمَكَانِ الْخُطْبَتَيْنِ» «هرگاه گروهی در دهکده ای بودند چهار رکعت نماز بگزارند، (ولی) اگر کسی باشد (که بتواند برای آنان) خطبه بخواند نماز جمعه بخوانند اگر پنج نفر باشند، فقط دو رکعت قرار داده شده به خاطر دو خطبه.. (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ۳، ۲۳۹؛ الاستبصار، ۱، ۴۲۰).

۹ - صحیحہ محمد بن مسلم، عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ أَنَسٍ، فِي قَرِيهِ

هَلْ يُصَلُّونَ الْجُمُعَةَ جَمَاعَةً؟

قال: «نَعَمْ وَيُصَلُّونَ أَرْبَعًا إِذَا لَمْ يَكُنْ مَنْ يَخْطُبُ» (شيخ طوسي، تهذيب الأحكام، ۳، ۲۳۸).

از محمد بن مسلم روایت شده که از یکی دو امام محمد باقر و جعفر صادق علیهما السلام

پرسیدم از مردمی که در روستایی هستند، آیا جمعه را به جماعت بخوانند؟

فرمود: آری، (اما) اگر کسی نبود که خطبه بخواند نماز چهار رکعتی بخوانند.

۱۰ - صحیح زراره از امام باقر علیه السلام که فرمود: «الْجُمُعَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى مَنْ إِنْ صَلَّى الْغَدَاةَ فِي أَهْلِهِ أَذْرَكَ الْجُمُعَةَ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّمَا يُصَلِّي الْعَصْرَ فِي وَقْتِ الظُّهْرِ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ كَيْ إِذَا قَضَوْا الصَّلَاةَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجَعُوا إِلَى رِحَالِهِمْ قَبْلَ اللَّيْلِ، وَذَلِكَ سُنَّةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (شيخ طوسي، تهذيب الأحكام، ۳، ۲۴۰).

نماز جمعه بر کسی واجب است که اگر نماز صبح را در میان اهل خود بخواند نماز جمعه را

درک می کند، رسول خدا صلی الله علیه وآله چنین بود که نماز عصر را در وقت ظهر سایر روزها (قبل از عصر سایر روزها) می گذارد تا مردمی که نماز را با رسول خدا صلی الله علیه وآله بجا آورده اند، پیش از (فرارسیدن) شب به خانه های خود برگردند، و این (مقدم داشتن نماز عصر در روز جمعه) تا روز قیامت سنت است.

۱۱ - صحیح ابی بصیر و مسلم از امام باقر علیه السلام که فرمود: «مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثَ

جُمُعٍ مُتَوَالِيَةٍ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ». «کسی که نماز جمعه را سه بار پیاپی (بدون عذر موجه) ترک کند خداوند مهر (غفلت و تیرگی) بر دل او می زند» (صدوق، ثواب الأعمال، ۲۷۶؛ شیخ طوسی، تهذیب الأحكام، ۳، ۲۳۸).

۱۲ - صحیح زراره از امام باقر علیه السلام که فرمود: «... فَإِنْ تَرَكَ رَجُلٌ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ

ثَلَاثَ جُمُعٍ فَقَدْ تَرَكَ ثَلَاثَ فَرَائِضَ، وَلَا يَدَعُ ثَلَاثَ فَرَائِضَ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ إِلَّا مُنَافِقٌ» «چنانچه مردی بدون علت سه جمعه پی در پی نماز جمعه را ترک کند، سه فریضه (از فرائض الهی) را ترک کرده و سه فریضه را بدون عذر موجه ترک نمی کند مگر این که منافق باشد» (صدوق، ثواب الأعمال، ۲۷۶؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ۵، ۴).

۱۳ - صحیح زراره می گوید: «حَتَّنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى صَلَاةِ الْجُمُعَةِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ يُرِيدُ أَنْ نَأْتِيَهُ فَقُلْتُ: نَعْدُو عَلَيْكَ، فَقَالَ: «لَا إِنَّمَا عَنَيْتُ عِنْدَكُمْ» (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ۳، ۲۳۹؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ۵، ۱۲).

امام صادق علیه السلام ما را به نماز جمعه ترغیب نمود، تا این که پنداشتیم که می خواهد به حضور آن حضرت برسیم از این رو عرض کردم: بامدادان به خدمت می رسیم، فرمود: نه، مقصودم پیش خودتان است.

۱۴ - موققه عبدالملک، از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «مِثْلَكَ يَهْلِكُ وَلَمْ يُصَلِّ فَرِيضَةَ فَرَضَهَا اللَّهُ» قال: قلت: فكيف أصنع؟ قال: «صَلُّوا جَمَاعَةً» يَعْنِي صَلَاةَ الْجُمُعَةِ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ۳، ۲۳۹، ۶۳۸).

مانند تو هلاک می شود و نماز فریضه ای را که خدا آن را واجب نموده نمی خواند.

عرض کردم: چه کار کنم؟ فرمود: به جماعت بخوانید، یعنی نماز جمعه را.

۱۵ - حسنه محمد بن مسلم که از امام صادق علیه السلام درباره نماز جمعه پرسید که آن حضرت فرمود: «تَجِبُ عَلَى مَنْ كَانَ مِنْهَا عَلَى رَأْسِ فَرَسَخَيْنِ، فَإِنْ زَادَ عَلَى ذَلِكَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ» (کلینی، الفروع من الکافی، ۳، ۴۱۹؛ شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ۳، ۲۴۰).

نماز جمعه بر کسی که سر دو فرسخی است واجب است اما اگر بیش از این باشد واجب

نیست.

۶- احکام مستفاد از روایات مزبور

۱ - وجوب نماز جمعه که در برخی از روایات یاد شده، تعبیر به «فرض» و «وجوب» دارد که صریحاً دلالت بر وجوب آن دارد، مانند روایات شماره ۲، ۱ و ۳ از پیامبر صلی الله علیه وآله و روایات شماره ۱۰، ۶، ۳، ۲، ۱ و ۱۵ از امامان معصوم علیهم السلام.

۲ - عمومیت وجوب نماز جمعه بر اهالی شهر و روستا مانند شماره ۸ و ۹.

۳ - اطلاق لفظ «امام» و مقید نبودن به امام معصوم علیه السلام یا امام اصل، مانند شماره

۴، ۳ و ۷.



- ۴ - مشروط نبودن، اقامه نماز جمعه به حضور معصوم علیه السلام یا اذن از جانب او مانند شماره ۳.
- ۵ - ترغیب و تشویق به برگزاری نماز جمعه، مانند شماره ۱۳ و ۱۴.
- ۶ - هشدار و تهدید بر ترک نماز جمعه، مانند روایات شماره ۴، ۳، ۵، از پیامبر صلی الله علیه وآله و شماره ۱۲، ۱۱، ۱۴، از امامان معصوم علیهم السلام.
- ۷ - لزوم اجتماع دست کم پنج نفر برای برگزاری نماز جمعه، مانند شماره ۶، ۴، ۳، ۸ و ۸.
- ۸ - تعیین حد فاصل میان نمازهای جمعه مانند شماره ۱ و ۱۵.
- ۹ - آراستگی امام جمعه به پوشش لباس مناسب و ...، مانند شماره ۷.
- ۱۰ - کسانی که از شرکت در نماز جمعه معاف هستند مانند روایت شماره ۲ از پیامبر صلی الله علیه وآله و شماره ۶، ۲، ۱، ۹، از امامان معصوم علیهم السلام.

۷- دیدگاه فیض کاشانی

مرحوم فیض کاشانی با استناد به آیات و روایات یادشده قائل به وجوب تعیینی نماز جمعه شده و رساله مستقلی تحت عنوان «الشهاب الثاقب» نوشته و نیز در کتاب «الوافی» (کاشانی، الوافی، ۸، ۱۱۲۷)، پس از نقل روایاتی از کتاب «کافی»، «من لا یحضره الفقیه» و «تهذیب الأحکام» می نویسد که دلالت این اخبار مستفیضه بر وجوب تعیینی نماز جمعه بر هر مسلمانی - به جز کسانی که به موجب روایات، استثناء شده اند - روشن است، بدون این که وجوب آن، مشروط به شرطی باشد به جز همان شروطی که در سایر نمازهای یومیّه تعیین شده است و بدون این که وجوب آن تخییری باشد و بدون این که وجوب آن منوط به حضور معصوم یا اذن از جانب او باشد و از طرفی اوامر شرعی، شامل تمامی اشخاص در تمامی زمان ها و مکان ها می شود مگر این که دلیل خاصی بر عدم شمول و عموم باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن عزّ الدین علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، دار صادر، لبنان، ۱۳۹۹/۱۹۷۹م.

۳. ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد بن ادريس جلی، متوفای ۵۹۸ ه.ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، مؤسسه نشر اسلامی، بی‌جا، بی‌تا.
۴. ابن ماجه، حافظ ابو عبدالله محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (۲۷۵ - ۲۰۷ ه.ق)، سنن ابن ماجه، دارالکتب العلمیّه، بیروت، لبنان، ۱۴۲۵ ه.ق - ۲۰۰۴ م، چاپ دوم.
۵. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن هشام بن ایوب حِمیری، متوفای ۲۱۸ ه.ق، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا ابراهیم الأبیاری، عبدالحفیظ شلی، چاپ مصر، ۱۳۵۵ ه.ق.
۶. ابوداود، حافظ سلیمان بن أشعث سِحِستانی، متوفای ۲۷۵ ه.ق، سنن أبی داود، دارالکتب العلمیّه، بیروت، لبنان، ۱۴۲۶ ه - ۲۰۰۵ م، چاپ دوم.
۷. بحرانی، یوسف بن احمد، متوفای ۱۱۸۶ ه.ق، الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره، مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ ه.ق.
۸. ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی بن سوره ترمذی، متوفای ۲۹۷ ه.ق، سنن الترمذی، دارالکتب العلمیّه، بیروت - لبنان، ۱۴۲۴ ه.ق - ۲۰۰۳ م، چاپ اول.
۹. حائری، مرتضی، متوفای ۱۴۰۶ ه.ق، صلاه الجمعة، تحقیق و نشر مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ ه.ق، چاپ اول.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، متوفای ۱۱۰۴ ه.ق، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربّانی شیرازی، مکتبه الإسلامیّه، تهران، ۱۳۸۵ ه.ق، چاپ دوم.
۱۱. حلبی، ابوالصلاح تقی الدّین ابن نجم الدّین (۴۴۷ - ۳۴۷ ه.ق)، الکافی فی الفقه، ضمیمه سلسله الینایع الفقهیّه، به کوشش علی اصغر مروارید، بیروت - لبنان، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۰ ه.ق، چاپ اول.
۱۲. الزّحلی، وهّبه الزّحلی، التفسیر المُنیر، دارالفکر المعاصر، بیروت، لبنان.
۱۳. شیخ طوسی، شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (۴۶۰ - ۳۸۵ ه.ق)، تهذیب الأحکام، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، دارالکتب الإسلامیّه، ۱۳۶۵ ه.ش، چاپ چهارم.
۱۴. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بابویه قمی، متوفای ۳۸۱ ه.ق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفّاری، مکتبه الصدوق، چاپخانه حیدری، تهران ۱۳۹۱ ه.ق.
۱۵. _____، عُیون أخبار الرّضا علیه السلام، نشر صدوق، ۱۳۷۲ ه.ش، چاپ اول.
۱۶. _____، مَنْ لا یحضره الفقیه، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفّاری، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ه.ق، چاپ دوم.
۱۷. طبرانی، حافظ ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (۳۶۰ - ۲۶۰ ه.ق)، المعجم الکبیر، تحقیق حمّدی عبدالمجید السلفی، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ه.ق.



۱۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۳۱۰ - ۲۲۴ ه. ق)، تاریخ الأمم والملوک، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ ه. ق، چاپ چهارم.
۱۹. عاملی، سید محمد بن علی، متوفای ۱۰۰۹ ه. ق، مدارک الأحکام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، مشهد مقدس، ۱۴۱۰ ه. ق، چاپ اول.
۲۰. علامه، ابومنصور حسن بن یوسف بن علی بن مطهر (۷۲۶ - ۶۴۸ ه. ق)، تذکره الفقهاء، تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۴ ه. ق، چاپ اول.
۲۱. غروی، میرزا علی غروی تبریزی، التنقیح فی شرح العروه الوثقی (تقریر درس آیة الله العظمی سید ابوالقاسم خویی)، دارالهادی للمطبوعات، قم، ۱۴۱۰ ه. ق، چاپ سوم.
۲۲. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۰۹۱ - ۱۰۰۷ ه. ق)، الشهاب الثاقب فی وجوب صلاه الجمعه العینی، به کوشش رؤوف جمال الدین، قم، ۱۴۰۱ ه. ق، چاپ دوم.
۲۳. _____، الوافی، مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، تحقیق و تصحیح ضیاء الدین، ۱۴۰۶ ه. ق، چاپ اول.
۲۴. کُلینی، ثقه الإسلام ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، متوفای ۲۲۹ ه. ق، الفروع من الکافی، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۹۱ ه. ق.
۲۵. مجلسی، مولی محمد باقر، معروف به علامه مجلسی (۱۱۱۰ - ۱۰۳۷ ه. ق)، بحار الأنوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ ه. ق، چاپ سوم.
۲۶. _____، مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ ه. ش، چاپ اول.
۲۷. مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، متوفای ۲۶۱ ه. ق، صحیح مسلم، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۲۷ ه. ق - ۲۰۰۶ م، چاپ چهارم.
۲۸. مفید، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری، مشهور به شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ ه. ق. المُنْعَه، مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ه. ق.
۲۹. زُحَلی، التفسیر المنیر، جلد ۲۸، بی جا، بی تا.